

تبیین چارچوب بهینه تحقق‌پذیری بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران

مریم کنگرانی فراهانی- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

میثم بصیرت* - استادیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مرجان شرفی- استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

چکیده

یکی از چالش‌های مهمی که بسیاری از مراکز شهرها و به‌ویژه بافت‌های تاریخی با آن مواجه‌اند، عدم انطباق ساختار فضایی این بافت‌ها با نیازها و فعالیت‌های امروزی است. در سال‌های اخیر، بی‌توجهی به بافت‌های تاریخی، آن‌ها را از جریان زندگی دور کرده است. این بافت‌ها از یک سو با فرسودگی و چالش‌های بسیاری از جنبه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند و از سوی دیگر ظرفیت‌ها و ارزش‌های هویتی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری دارند که این امر بازآفرینی را به اقدامی مهم و ضرورتی انکارناپذیر در مواجهه با آن‌ها تبدیل کرده است. این بافت‌ها از ظرفیت‌های بی‌نظیری برای ساخت و احیای فضاهای خلاق، شکل‌گیری صنایع خلاق و جذب و نگه‌داشت گروه‌های خلاق برخوردار هستند. به همین سبب الگوی بازآفرینی خلاق مبتنی بر ارتباط میان اقتصاد و فرهنگ و تولید مکان‌های خلاق در زمینه مراکز شهری به‌ویژه مراکز تاریخی از ظرفیت قابل‌توجهی برخوردار است. هدف این پژوهش تبیین چارچوب تحقق‌پذیر بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران است؛ چرا که این بافت علی‌رغم ارزش‌های هویتی با فرسودگی مفرط به‌ویژه در سال‌های اخیر روبه‌رو بوده است. رویکرد این پژوهش آمیخته است و از روش دلفی به‌منظور تدوین شاخص‌ها و از روش تحلیل محتوای کیفی داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته در تبیین چارچوب تحقق‌پذیر بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی شهر تهران استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بافت تاریخی تهران با دوگانه‌ای از دارایی‌ها و محدودیت‌های ساختاری در مواجهه و تحقق‌پذیری بازآفرینی خلاق روبه‌رو است که نتیجه آن همچنان افت کیفیت بافت و عدم بهره‌گیری حداکثری از توان و ظرفیت‌های موجود در بافت بوده است. در چنین شرایطی رویکرد بازآفرینی خلاق می‌تواند به الگویی مناسب برای بافت تاریخی و به‌موتوری برای توسعه اقتصادی و فرهنگی شهر تهران تبدیل شود. در این پژوهش به‌منظور ارائه چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران، شاخص‌ها و مفاهیم استخراج‌شده در قالب مفاهیم در ارتباط با فرایند بازآفرینی و مفاهیم مربوط به محتوا و محورهای موضوعی بازآفرینی، در سه بخش شاخص‌های بازآفرینی خلاق، ساختارهای پیش‌ران و محدودکننده تحقق‌پذیر بازآفرینی خلاق و راهکارهای مواجهه با تنظیم می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی شهری خلاق، بافت تاریخی، شهر تهران، شهر خلاق.

مقدمه

چالشی که امروزه عموم مراکز شهرها با آن دست‌به‌گریبان هستند، ناهماهنگی ساختار فضایی بافت‌های قدیم با نیازها و فعالیت‌های امروزی است. این مراکز که عموماً مراکز تاریخی شهرها به‌شمار می‌روند، با توجه به سابقه تاریخی خود، نوعی شناسنامه و شخصیت یگانه در شهر می‌یابند. این در حالی است که به این مراکز مهم شهری در شهرهای ایران بی‌توجهی شده و این بافت‌ها با گذشت زمان فرسوده شده‌اند و از جریان زندگی شهرها دور افتاده‌اند؛ بنابراین انطباق آن‌ها با نیازهای زمان حال و شناخت فرصت‌های موجود در آن‌ها به‌منظور فراهم‌آوردن بستر مناسب برای عملکردهای فرهنگی و بهبود و رونق شرایط اقتصادی در جریان بازآفرینی شهری امری مهم به‌شمار می‌آید.

حرکت به‌سوی تحقق و ایجاد شهرهای خلاق، راهکاری اساسی برای مواجهه با این بحران است؛ چرا که فلسفه این رویکرد آن است که در شهرها همیشه ظرفیت بیشتری از آنچه در وهله اول تصور می‌شود، وجود دارد (Baycan, 2011). این رویکرد تلاش می‌کند زمینه ورود خلاقانه شهروندان و مسئولان و صاحبان مشاغل را به عرصه‌های مختلف مواجهه با مسائل مرتبط با شهر فراهم آورد. این در حالی است که علی‌رغم آنکه بافت‌های تاریخی با ارزش‌های کالبدی و فرهنگی نهفته در خود بهترین نشانه هویت شهری هستند و از ارزش‌های راهبردی به‌ویژه از لحاظ اقتصاد و پیشبرد فرایند خلاقیت و نوآوری برخوردارند، متأثر از عوامل متعددی در طول زمان دستخوش تغییراتی ناخوشایند و در نتیجه فرسودگی شده‌اند؛ بنابراین حفظ بافت‌های تاریخی نه صرفاً به‌عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به‌دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهر و تمدن شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری، براساس شواهد علمی، از طریق رویکردهای نوین شهری امری ضروری است (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴).

از این‌رو به رویکرد شهر خلاق در حوزه‌های مختلفی از ابعاد توسعه شهری توجه صورت گرفته است و محققان مختلفی به پژوهش در خصوص ابعاد مختلف مفهومی و کاربردی آن پرداخته‌اند (Reckwitz, 2009; Rhodes, 1961; Törnqvist, 2012; Girard et al., 2011; Landry & bianchini, 1995; Florida, 2002; Clark et al., 2002; Glasser, 2005; Correia & da Silva Costa, 2014). یکی از این حوزه‌های موردتوجه در سال‌های اخیر، به‌ویژه در شرایط موجود در ایران، موضوع مداخله بر پایه رویکرد شهر خلاق در بافت‌های تاریخی شهرها بوده است. از آن جمله، لک و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به موضوع بازآفرینی شهری از طریق سیاست‌های فرهنگی و مدیریت راهبردی در بررسی موردی بیرجند پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد اجرای موفق برنامه‌های بازآفرینی شهری مبتنی بر گردشگری تاریخی، زمانی محقق می‌شود که یک شهر استفاده حداکثری از فرصت‌ها را در چهار حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، رویدادهای فرهنگی، مدیریت مشارکتی و ارتقای فضاهای شهری صورت دهد. ناوارته، ایزیدورا و ترجو (۲۰۱۹) در کتابی با عنوان صنایع خلاق و فرهنگی در تجدید حیات شهری براساس مجموعه‌ای از مطالعات موردی بین‌المللی، مصاحبه عمیق با خبرگان و مرور ادبیات نظری و نیز بررسی شواهد تجربی از پروژه‌های متعدد در جهان، به بررسی عواملی پرداختند که موجب موفقیت در احیای مجدد شهری متکی بر صنایع خلاق و فرهنگی (CCIs) می‌شود و راهکارهای اجرایی را در این خصوص به‌عنوان راهنمای عمل متولیان توسعه شهری ارائه کردند.

فدائی‌نژاد بهرام‌جردی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بازخوانی رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌منا در ساخت شهر خلاق (تدوین چارچوب تحلیلی بازآفرینی قطب خلاق و فرهنگی) نشان داد با وجود مخالفت‌ها و پیامدهای غیرمنتظره، راهکارهایی نظیر رونق اقتصاد فرهنگی، افزایش تسهیلات و ارتقای گردشگری خلاق به سرزندگی اجتماعی فضاهای عمومی و مشارکت طبقه خلاق در توانمندسازی خودشان منجر خواهد شد. همچنین پیشنهاد رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق موضوع پژوهش شبانی و ایزدی (۱۳۹۳) بوده است. آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که توجه به دو عامل اصلی فرهنگ و اقتصاد (رقابت) در بستر ویژگی‌های مکانی، نظریه شهر خلاق را در راستای بازآفرینی شهری قرار داده است. اینان سازوکار چنین ارتباطی را در قالب یک مدل مفهومی ارائه کردند که راهبردهایی در عملیاتی کردن نظریه شهر خلاق به‌عنوان رویکرد مداخله در بافت‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری ارائه می‌کند. تقی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای «رویکرد آینده‌پژوهانه به بازآفرینی خلاق بافت تاریخی شهر گرگان» را مطالعه کردند. آن‌ها پس از شناسایی و ارائه چهارده پیشران کلیدی مؤثر بر روند آینده بازآفرینی خلاق بافت تاریخی شهر گرگان، راهکارهای اجرایی آن را نیز پیشنهاد کردند. همچنین احمدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر توسعه صنایع فرهنگی در بازآفرینی بافت تاریخی را در منطقه ۱۲ شهر تهران مطالعه کردند و به این سؤال پاسخ دادند که چگونه می‌توان از راهبرد صنایع فرهنگی و خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی بهره برد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مجموعه‌ای از صنایع فرهنگی با استفاده از مزیت‌های بافت تاریخی می‌تواند تقویت و غنی شوند. بافت تاریخی نیز می‌تواند با بهره‌گیری از ویژگی‌ها و مزیت‌های استقرار صنایع فرهنگی، بنیان‌های عملکردی و فضایی خود را بازآفرینی و تقویت کند.

همچنین در ارتباط با این حوزه، برخی دیگر از محققان تلاش کردند بازآفرینی شهری را از منظر گردشگری به‌صورت عام و گردشگری خلاق به‌صورت خاص مدنظر قرار دهند. از آن جمله پوراحمد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود به الگوی بازآفرینی بافت تاریخی با رویکرد توسعه گردشگری پرداختند. در این تحقیق پس از شناسایی معیارها و شاخص‌های بازآفرینی شهری و توسعه پایدار، گردشگری در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی تلاش شد تا ارتباط میان بازآفرینی شهری و توسعه گردشگری از نظر ساکنان بافت تاریخی شهر تبریز تبیین شود. این پژوهش نشان داد دارایی‌های تاریخی و پتانسیل‌های گردشگری می‌تواند تأثیر بسزایی در بازآفرینی شهرها یا تحقق آن از نظر اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی داشته باشد. کیانی سلمی و صفری (۱۳۹۸) شاخص‌ها و عوامل گردشگری خلاق را در بافت فرسوده محله جویبار اصفهان تحلیل و بررسی کردند و عواملی نظیر مشارکت، تسهیلات رفاهی خدماتی، بازسازی و مرمت‌های صورت‌گرفته و جاذبه‌های فرهنگی و بناهای تاریخی را مطالعه و به سایر عواملی نظیر اطلاع‌رسانی و تبلیغات و نوآوری و خلق ارزش در گردشگری توجه نشان دادند.

در اغلب این پژوهش‌ها با به‌کارگیری رویکرد کمی، عوامل و زمینه‌های مؤثر بر تحقق بازآفرینی خلاق در بافت‌های نمونه تبیین شده است. هدف پژوهش پیش‌رو تبیین چارچوبی بهینه با رویکرد غالب کیفی و با هدف تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی شهر تهران، با بهره‌گیری از تخصص و تجربه افراد صاحب‌نظر در حوزه رویکرد شهر خلاق و بازآفرینی شهری است که تجربه برنامه‌ریزی و مدیریت در بافت تاریخی شهر تهران را نیز دارند. پرداختن به این

موضوع از این جهت حائز اهمیت است که مرکز تاریخی تهران که با تسامح و براساس مستندات برنامه‌ای شهر تهران، بر منطقه ۱۲ شهرداری منطبق فرض شده است، بیش از سه‌چهارم تهران ناصری (مرکز تاریخی تهران) را پوشش می‌دهد. این منطقه گسترده‌ترین بافت ارزشمند و بیشترین بناها و فضاهای شاخص و ممتاز تاریخی تهران را در خود جای داده است و این موضوع مهم‌ترین مزیت نسبی این منطقه محسوب می‌شود. این در حالی است که پهنه‌های وسیعی از منطقه علی‌رغم ارزش‌های هویتی (بازمانده‌ها از گذشته تهران) بسیار فرسوده هستند. از این‌رو بازآفرینی این پهنه‌ها با اتکا به رویکردهای متأخر مداخله نظیر شهر خلاق، ضرورت و فوریت دارد.

تبیین ابعاد نظری

مفهوم شهر خلاق از میانه دهه ۱۹۹۰، ابتدا در بریتانیا و سپس در آمریکا به یک پارادایم معمول و یک مدل جدید از گرایش به برنامه‌ریزی سیاست‌های شهری تبدیل شده است (Reckwitz, 2009)؛ با این منطبق که همواره پتانسیل هر منطقه بیش از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد؛ بنابراین باید شرایطی برای افراد مهیا شود که بتوانند برای شکوفایی فرصت‌های مختلف بیندیشند، برنامه‌ریزی کنند و دست به اقدام بزنند. در حال حاضر شهر خلاق تبدیل به یک جنبش جهانی شده و به‌نوعی انعکاس‌دهنده پارادایم جدید برنامه‌ریزی در دهه‌های اخیر است (آصف، ۱۳۸۷). فلوریدا و لندری برجسته‌ترین نظریه‌پردازانی هستند که نخستین بار مفهوم شهر خلاق را به کار بردند و بر این اعتقادند که خلاقیت عنصر مهمی در حیات امروز و آینده یک شهر است.

بررسی پژوهش‌ها در حوزه خلاقیت بیانگر چهار مؤلفه محصول، فرد، فرایند و مکان یا محیط در تعریف خلاقیت است. محصولی که از طریق خلاقیت تولید می‌شود، فرایندی که از طریق آن خلاقیت اتفاق می‌افتد، فردی که خلاقیت را به‌وجود می‌آورد و مکانی که خلاقیت در آن روی می‌دهد (Rhodes, 1961; Törnqvist, 2012). از میان این مؤلفه‌ها تأکید بسیاری از این پژوهش‌ها بر اهمیت مکان و محیطی است که خلاقیت در آن اتفاق می‌افتد. این پژوهش‌ها همواره بر این پرسش تأکید داشته‌اند که چرا افراد و طبقه خلاق، برخی مکان‌ها را به برخی دیگر ترجیح می‌دهند. چه چیزی آن‌ها را به این مکان‌ها جذب می‌کند؟ و چرا برخی مکان‌ها جذاب‌تر از سایر مکان‌ها برای فعالیت‌های جذاب و جدید هستند؟ خلاقیت بازتاب‌های بسیاری در مطالعات شهری و منطقه‌ای داشته و مفاهیم جدیدی را مانند طبقه خلاق، صنایع خلاق و شهر خلاق به ادبیات برنامه‌ریزی افزوده است. با وجود این، بیشترین تأکید روی ارتباط درونی میان خلاقیت و فضای شهری بوده است (Girard et al., 2011).

به نوعی سرمنشأ و فلسفه مفهوم شهر خلاق را می‌توان توجه نظریه‌پردازان و محققان این حوزه به بعد مکانی و محیطی خلاقیت یا جغرافیای خلاقیت عنوان کرد (فتوحی مهربانی، ۱۳۹۵). از جنبه تاریخی، خلاقیت همواره نیروی حیاتی و محرک شهرها بوده است. شهرها همواره برای بروز خلاقیت، به بازار کار، تجارت و مراکز تولیدی، هنرمندان، روشنفکران، دانشجویان، مدیران و کارگزاران قدرت نیاز داشته‌اند (Landry & Bianchini, 1995). خلاقیت به‌ویژه در

مکان‌هایی شکوفا می‌شود که در آن‌ها نژادها و فرهنگ‌ها در هم می‌آمیزند و تعامل ایده‌های جدید امکان‌پذیر می‌شود و نهادها و مؤسسات مربوطه در آن‌ها وجود دارند.

افرادی مانند فلوریدا، کلارک و گلاسر کلید ایجاد رشد اقتصادی در نظام سرمایه‌داری معاصر را ایجاد محیط‌های شهری می‌دانند که بتوانند بر افراد با استعداد تأثیر داشته باشند و آن‌ها را به خود جذب کنند. چندفرهنگی‌گرایی^۱، شبه‌گمنامی^۲ و وجود کافه‌ها، تئاترها و فضاهای شهری مطلوب، ویژگی‌هایی است که به تمرکز زیاد افراد با استعداد در یک مکان منجر می‌شود و در نتیجه آن، بهترین شرایط برای رشد شهری منطقه‌ای فراهم می‌شود (Florida, 2002; Clark et al., 2002; Glasser, 2005).

فلوریدا (۲۰۰۲؛ ۲۰۱۱؛ ۲۰۱۲) نگاه خود را به نقش خلاق افراد سوق می‌دهد. از نظر او هنرمندان و دانشمندان هسته کانونی طبقه خلاق هستند. بر این اساس شهرها برای جذب و نگهداشت افراد خلاق با یکدیگر رقابت می‌کنند. بدین‌سان بستر دانش، صنعت، بسترهای اجتماعی و فرهنگی نظیر تنوع اجتماعی، مطلوبیت محل زندگی، کیفیت زندگی، برابری اجتماعی، جایگاه مهمی در جذب و نگهداشت افراد خلاق دارد (ربانی‌خوارسگانی و ربانی، ۱۳۹۰).

سپه (۲۰۱۴) معتقد است شهری که قادر به تولید در حوزه اقتصاد نوآور، فرهنگ، پژوهش و آثار هنری است و از طریق این تولیدات، هویت و سرمایه خود را تقویت می‌کند، شهری خلاق محسوب می‌شود. از نگاه او، بخش مهمی از تجارب شهر خلاق، در بستر اقدامات طراحی، احیا و حیات‌بخشی مجدد به بخش‌های تاریخی شهرها شکل می‌گیرد. او با برشمردن تجاربی از هلسینکی و هامبورگ به گونه‌شناسی از عوامل اصلی ایجاد خلاقیت در شهرها اقدام می‌کند. سپس با برشمردن دو دسته از خوشه‌های خلاق (نخست عرصه‌هایی که در اطراف فعالیت‌های هنرهای زیبا، موسیقی، سینما، معماری و طراحی ایجاد می‌شوند و دوم قلمرو پروژه‌های نوآورانه^۳ که به‌طور عمده با حمایت بخش عمومی شکل می‌گیرند) به اهمیت توجه به ظرفیت این رویکرد می‌پردازد.

البته در مورد صنایع مرتبط با این رویکرد، ابتدا باید میان اصطلاح «صنایع خلاق»^۴ و «صنایع فرهنگی»^۵ تمایز قائل شد. اصطلاح صنایع فرهنگی، نخست در انتقاد به تجاری‌سازی انبوه و بازساخت مفاهیم فرهنگی ارائه شد و سپس در گستره وسیع‌تری از بحث، در باب تداخل تجارت و فرهنگ و مزایای اقتصادی هنر با تحریک جریان گردشگری، اشتغال و ارتقای تصویر شهر صورت گرفت. از منظر تاریخی، توسعه اقتصادی شهرها ماهیتاً دارای وجه فرهنگی هم بوده است، اما صنایع فرهنگی ایجادکننده هویت‌های اجتماعی و مکان‌هایی هستند که مدنیت به شیوه‌های نوآورانه در آن‌ها ایجاد می‌شود (شبان، ایزدی، ۱۳۹۳: ۵۸). در واقع فرهنگ می‌تواند در قالب شیوه‌ای که بر کلیه امکانات شهری تأثیر می‌گذارد، به بروز امتیازات نسبی شهر کمک کند (شبان و ایزدی، ۱۳۹۳: ۶۶). صنایع فرهنگی به‌طور مشخص هنرمندمحور هستند و محتواهایی را ایجاد می‌کنند که نخست معنای زیبایی‌شناسانه اجتماعی دارند و ارزش اقتصادی آن‌ها در درجه دوم

1. Multiculturalism

2. Quasi-anonymity

شبه‌گمنامی یکی از ویژگی‌های شهرهای بزرگ است که در آن افراد زیر ذره‌بین ارزش‌ها و هنجارهای خاصی قرار ندارند.

3. Innovative projects

4. Creative Industries

5. Cultural Industries

اهمیتشان است. در مقابل مفهوم صنایع فرهنگی، صنایع خلاق برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ به وسیله وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش بریتانیا^۱ و به عنوان صنایعی معرفی شده است که ریشه در خلاقیت، مهارت و استعداد های فردی دارد و پتانسیل های لازم را به منظور کارآفرینی با بهره‌برداری از مالکیت معنوی صاحبانشان را دارد (DCMS, 2001). با این توصیف می‌توان گفت صنایع خلاق همان صنایعی هستند که مورد توجه ریچارد فلوریدا در پژوهش معروف او در باب طبقه خلاق و رابطه میان خلاقیت و توسعه محلی بوده‌اند. از دیدگاه فلوریدا، طبقه خلاق شامل افرادی است که در علم، مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، هنر و سرگرمی ایده‌های جدید، فناوری نوین یا محتوایی خلاقانه را عرضه می‌کنند (Florida, 2002: 8). طبق مفهوم طبقه خلاق در اندیشه فلوریدا، شهرهایی که بتوانند شبکه منسجمی از چنین افرادی را درون خود بسازند، می‌توانند در وضعیت اقتصادی-اجتماعی مناسبی قرار بگیرند و با توجه به فضای رقابتی حاکم بر شهرهای پسا صنعتی، در بستری مناسب از سازوکارهای جهانی تثبیت شوند. در این نظریه به دو محور مهم نقش سرمایه انسانی خلاق در رشد شهری و منطقه‌ای و نقش فناوری^۲، استعداد و توانایی^۳، تساهل و تسامح و ظرفیت تحمل‌پذیری^۴ به عنوان کلید فهم جغرافیای جدید، خلاقیت و تأثیر آن بر نتایج اقتصادی تأکید شده است (فتوحی مهربانی، ۱۳۹۵). در مقابل، چارلز لندری معتقد است شهر خلاق نوعی روش جدید در برنامه‌ریزی شهری است که به توضیح چگونگی تفکر، برنامه‌ریزی و عمل خلاقانه افراد در شهرها می‌پردازد. لندری نشان می‌دهد چگونه شهرها می‌توانند با بهره‌گیری از تفکرات و استعدادهای افراد، سرزنده و زیست‌پذیر شوند (Landry, 2012). او معتقد است تفکر فرهنگی جدید و استفاده از خلاقیت برای حل مشکلات شهری ضروری است. برخلاف تصور غالب از شهرها به عنوان محل‌های ترس، جرم، آلودگی و پستی، در شهرها خالقان ثروتمندی هستند که می‌توانند شکوفایی و کامیابی ملل را رقم بزنند. از نظر وی، شهرها نه فقط به خاطر دستیابی به رقابت در صنایع با ارزش افزوده جدید، بلکه برای حل مسائل اجتماعی به خلاقیت نیاز دارند (Coletta, 2008). در حالی که لندری بر اینکه شهرها چگونه می‌توانند برای دنیا خلاق و آفریننده باشند، تأکید می‌کند. فلوریدا بر ارزش اقتصادی خلاقیت انسانی تأکید می‌ورزد و اینکه چگونه شهرها می‌توانند برای خلاق‌ترین شهر جهان بودن رقابت کنند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۵). در نهایت باید به نقش و اهمیت تشریک مساعی، شبکه‌سازی و مشارکت بخش‌های مختلف در تحقق شهر خلاق اشاره کرد. در این زمینه ساساکی بر توسعه شهرهای خلاق از طریق شبکه‌سازی تأکید دارد و به ضرورت شبکه‌سازی و مشارکت ملی بخش‌های دولتی، غیردولتی و مدنی شهرها در کنار تشریک مساعی نهادهای فراملی اشاره می‌کند (Sasaki, 2008: 85). در یک جمع‌بندی کلی مقدماتی می‌توان گفت شهر خلاق شهری است که بیشترین ظرفیت پرورش، حفظ و جذب افراد و فعالیت‌های خلاق را داشته باشد و بستر شکل‌گیری صنایع خلاق، طبقه خلاق و در نهایت شهر خلاق را فراهم کند.

1. Department for Digital, Culture, Media and Sport (DCMS)
 2. Technology
 3. Talent
 4. Tolerance

بنیان‌های نظری و آموزه‌های تجربی

در راستای ارائه چارچوب ارزیابی رویکرد بازآفرینی خلاق بافت تاریخی تهران و تبیین چارچوب تحقق‌پذیری این رویکرد که هدف اصلی مقاله است، ابتدا شاخص‌های بین‌المللی برگرفته از مطالعات نظری پیشین و همچنین تجربه‌های مرتبط با این رویکرد و آموزه‌های قابل‌به‌کارگیری از آن‌ها بررسی شد که نتایج آن در شکل ۱ آمده است.



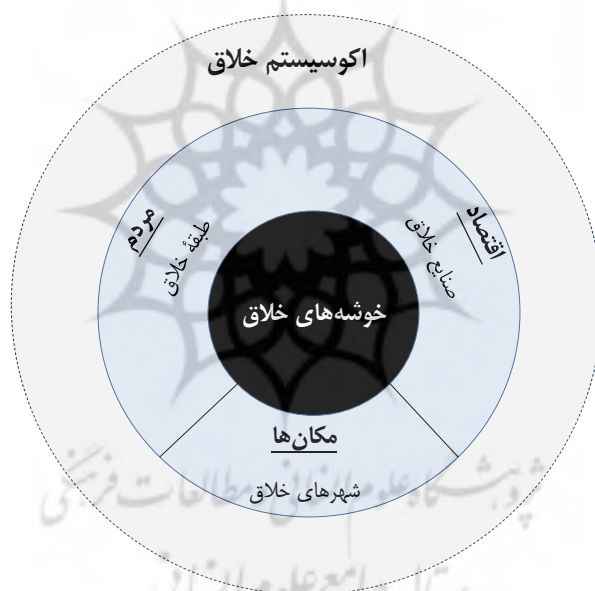
شکل ۱. ابعاد و زمینه‌های شاخص‌های بین‌المللی شهر خلاق و مبانی تجربی این رویکرد

بازآفرینی خلاق بافت‌های تاریخی

بازآفرینی شهری معرف رویکردی نوین، یکپارچه و جامع از سیاست‌های توسعه و نوسازی شهری است که در دوره‌های پیش با مبانی نظری، مدل‌ها و سازوکارهای متفاوتی طرح شده است (Larkham, 2006). در واقع بازآفرینی را می‌توان اصلی‌ترین رویکرد «مرمت، بهسازی و نوسازی شهری» در دوران معاصر تلقی کرد (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۲) که

سه بن‌مایه اصلی و سه هدف اصلی آن ارتقای محیطی، توسعه اقتصادی و شمول اجتماعی است (Roberts & Sykes, 2000).

پترلین و همکارانش صنایع خلاق را موتور محرکه توسعه شهری و آن را ابزار اجرای بازآفرینی شهری می‌دانند. به عقیده آن‌ها اگر زمانی پروژه‌های پرچم، محرک اصلی بازآفرینی در محله‌های شهری محسوب می‌شدند، اکنون این ظرفیت وجود دارد که تمرکز بر تولید محصولات فرهنگی خلاق این نقش را برعهده گیرد. از این‌رو به ارائه الگویی از مؤلفه‌های توسعه محله‌های خلاق می‌پردازند (Peterlin et al., 2011). بدین ترتیب می‌توان گفت اگر شرایط اصلی توسعه محله‌های خلاق را مسکن ارزان قیمت، زندگی اجتماعی-فرهنگی پر جنب و جوش، مرزهای نامشخص میان محل کار و اوقات فراغت، سبک زندگی ۷/۲۴ (در ۲۴ ساعت از شبانه‌روز و در تمام هفته)، نزدیکی به مؤسسات یادگیری‌گرا و شبکه‌های غیررسمی بدانیم (Bell & Jayne, 2004; Florida, 2002)، سه بعد اساسی زندگی در هر محله‌ای که نیازمند بازآفرینی خلاق است با فضا، اقتصاد (شامل روش‌های تخصصی تبادل، تعامل و ارتباطات در صنایع خلاق) و افراد (یعنی اعضای طبقه خلاق، سرمایه فرهنگی-اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) تعریف خواهد شد.



شکل ۲. ابعاد اساسی توسعه محله‌های خلاق

منبع: Peterlin et al., 2011: 12

رویکرد بازآفرینی خلاق با توجه هم‌زمان به تمامی معضلات و پتانسیل‌ها و اقدام‌های عملیاتی در تمام ابعاد، می‌تواند بهترین گزینه در احیای نواحی ارزشمند تاریخی باشد (صحی زاده و ایزدی، ۱۳۸۳). بافت‌های تاریخی و کهن موجود در شهرها دارای ارزش‌های راهبردی به‌ویژه از لحاظ اقتصادی و پیشبرد فرایند خلاقیت و نوآوری هستند. از آنجا که در احیا و بازآفرینی محله‌های تاریخی شهرها لازم است میراث تاریخی و حس مکان با نیازهای اقتصادی و سیاسی معاصر و موقعیت‌های اجتماعی یکی شوند (Tiesdell, 1996). بهره‌گیری از فرهنگ و شیوه‌های نو و خلاق در راستای انطباق‌پذیری آن‌ها با اقتصاد و شرایط جدید، با تمرکز بر سرمایه‌های خاص و جالب توجه به‌عنوان ابزاری برای احیای

بافت‌های تاریخی و ایجاد فعالیت‌های جدید اقتصادی در راستای جایگزینی کاربری‌های ازبین‌رفته یا روبه‌انحطاط ضروری است. استفاده از سیاست‌های نوآورانه و راهبردهای مبتنی بر خلاقیت برای حضور بافت‌ها و محله‌های تاریخی در عرصه‌های رقابت و برتری، امری ضروری تلقی می‌شود که نبود آن، هم در حوزه نظری و هم عملی مشهود است (خان‌محمدی، ۱۳۹۴).

نظریه شهر خلاق که در چارچوب تحولات اجتماعی-اقتصادی عصر حاضر، در حال جهانی‌شدن در محتوا است، از سویی توجه ویژه به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی دارد و از سوی دیگر در قالب پرداختن به ویژگی‌های مکانی، هدف ایجاد رقابت اقتصادی، انسجام اجتماعی و تنوع فرهنگی در دستیابی به تصویری یکتا از شهر را دنبال می‌کند؛ بنابراین پرداختن به ظرفیت‌های این نظریه در عرصه بازآفرینی بافت‌های تاریخی می‌تواند به ارتقای کیفیات محیطی منجر شود و چشم‌انداز جدیدی پیش‌روی سیاست‌گذاران این عرصه قرار دهد (شبانی و ایزدی، ۱۳۹۳). در واقع می‌توان گفت الگوی بازآفرینی خلاق شهری، پارادایم برنامه‌ریزی در زمانه‌ای است که جهانی‌شدن وجوه مختلف زندگی بشری از مهم‌ترین مشخصه‌های آن به‌شمار می‌رود و در آن، خلاقیت و نوآوری در اقتصاد و ضرورت نیاز به مکان و فضاهای خاص و نشان‌مند از اهمیت بالایی برخوردار است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۵). این‌گونه از بازآفرینی برخلاف اشکال سنتی، متمرکز بر اقدامات فیزیکی نیست و هدف‌گذاری اصلی آن فقط رفع محرومیت‌های اجتماعی در فضاهای متروک و ناکارآمد درون‌شهرها نیست، بلکه الگوی بازآفرینی خلاق شهری به دنبال ساخت مکان‌هایی است که بتوانند گروه‌ها و طبقات خلاق را به‌خود جذب و از آن‌ها نگهداری کنند.


روش تحقیق

پژوهش حاضر کاربردی است و رویکرد کمی-کیفی دارد. نخست شاخص‌های اولیه بازآفرینی خلاق بافت‌های تاریخی که از مبانی نظری و مطالعات تجربی استخراج شده‌اند، با استفاده از تکنیک دلفی تدقیق شدند. تعداد اعضای مناسب برای پانل هنگامی که بین اعضای پانل تجانس وجود داشته باشد، حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر است که البته این عدد به ساختار تحقیق بستگی دارد و می‌تواند متفاوت باشد. هوگارت (۱۹۷۸) معتقد است ۶ تا ۱۲ عضو برای تکنیک دلفی ایدئال است و به‌زعم کلینتون (۱۹۹۷) اگر ترکیبی از تخصص‌های گوناگون استفاده شود، بین ۵ تا ۱۰ عضو کافی است (Habibi et al., 2014). در فرایند دلفی، یازده نفر از استادان و پژوهشگران صاحب‌نظر در حوزه رویکرد شهر خلاق و بازآفرینی شهری دعوت شدند تا در این پژوهش مشارکت کنند.

در تکنیک دلفی، شاخص‌های بیشترین میزان اتفاق نظر، میانگین زیاد و انحراف معیار کم دارند. به‌منظور مشخص‌شدن دقیق‌تر اتفاق نظر در بین شاخص‌ها از محاسبه ضریب دلبلیو کندهال استفاده شده است. این آزمون به‌عنوان یک ضریب توافق، به سنجش میزان توافق رتبه‌بندی‌ها در بین پاسخگویان می‌پردازد. در این آزمون هر پاسخگو یک قضاوت‌کننده یا رتبه‌دهنده و هر گویه یک متغیر تلقی می‌شود. این آزمون با مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین متغیرها، تفاوت این میانگین‌ها را بررسی می‌کند (حبیب‌پور و شالی، ۱۳۹۱). در این گام از پژوهش، پس از تشکیل پانل دلفی، پرسشنامه دور اول در دو بخش تنظیم شد. در بخش اول، فهرست شاخص‌های اولیه در اختیار اعضای پانل قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا میزان تأثیر

هریک از آن‌ها را از طریق تخصیص امتیازی بین ۱ تا ۱۰ تعیین کنند. سپس در بخش دوم از اعضای پانل درخواست شد تا شاخص‌هایی را که از نظر آن‌ها در فرایند بازآفرینی خلاق بافت تاریخی مهم هستند ولی در فهرست اولیه وجود ندارند بیان کنند. در مرحله بعد میانگین و انحراف معیار و ضریب کندال امتیازات دور اول محاسبه و شاخص‌های اضافه‌شده از سوی متخصصان جمع‌بندی شد و پرسشنامه دور دوم براساس آن تنظیم شد. در پرسشنامه دور دوم، شاخص‌های تحقیق به همراه میانگین امتیازاتشان در دور اول و همچنین جمع‌بندی از شاخص‌های جدید در اختیار اعضای پانل قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد مجدداً شاخص‌ها را امتیازدهی کنند. در نهایت با محاسبه میانگین و انحراف معیار و ضریب کندال، امتیازات دور دوم شاخص‌ها تدقیق و چارچوب نهایی شاخص‌های بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران تدوین شد.

در ادامه، به منظور تدوین چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران، ۱۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با افرادی انجام شد که تجربه برنامه‌ریزی و مدیریت در بافت تاریخی تهران را دارند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این گام از پژوهش، به صورت هدفمند بود و مصاحبه‌ها تا توسعه مفاهیم و رسیدن به اشباع ادامه یافت. در این بخش، از روش تحلیل محتوای کیفی به منظور تفسیر داده‌های متنی مستخرج از مصاحبه‌ها از طریق فرایند کدگذاری و تعیین مفاهیم تا سه سطح انتزاع (مقوله‌های مفهومی) استفاده شد. در تعیین محورهای اولیه مصاحبه‌ها از نتایج روش دلفی بهره گرفته شده است. در شکل ۳ مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش آمده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳. مشخصات مشارکت‌کنندگان در فرایند پژوهش

در شکل ۴ نیز فرایند پژوهش به اختصار نشان داده شده است.



شکل ۴. فرایند پژوهش

محدوده مورد مطالعه

منطقه ۱۲ با ۱۶۰۰ هکتار وسعت (۲/۳ درصد محدوده تهران) و ۲۳۹،۶۱۱ نفر جمعیت (۳/۲ درصد جمعیت کلان‌شهر) از شمال به خیابان انقلاب دارای نقاط عطف میدان فردوسی، پیچ شمیران، لاله‌زار و پل چوبی منتهی می‌شود؛ از غرب به خیابان حافظ و وحدت اسلامی با نقاط عطف میدان تاریخی حسن‌آباد (هشت گنبد)، میدان وحدت اسلامی (شاهپور) و چهارراه وحدت اسلامی (چهارراه شاهپور) و از جنوب به خیابان شوش با نقاط عطف خیابان جهان‌پهلوان تختی، یخچال و میدان غار و از شرق به خیابان ۱۷ شهریور (شهنواز سابق) با نقاط عطف خیابان شهید کفایی امانی و خیابان خورشید، خیابان مجاهدین، زیرگذر امیرکبیر و اتوبان شهید محلاتی محدود شده است و بخش زیادی از بافت تاریخی تهران را پوشش می‌دهد.

بیش از ۸۰ درصد کارکردهای تجاری، اداری-حکومتی، کارگاهی و انبار و بیش از ۵۰ درصد کارکردهای فرهنگی-مذهبی و پذیرایی این منطقه به سبب ماهیت اداری آن از دیرباز تاکنون نقش شهری و فراشهری دارند. ۲۷ درصد از سطح منطقه بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳ درصد از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. بیش از ۴۳ درصد محدوده منطقه از گستره‌ها و پهنه‌های شاخص و ارزشمند تشکیل شده است. منطقه‌ای که در آن، مساجد عظیم و متبرک و زیبا، امام‌زاده‌ها و حسینیه‌های بسیاری بنا شده‌اند. کلیساها و کنیسه‌ها و آتشکده‌های آن نیز علی‌رغم تاریخ کهن، مکان عبادتی و زیارتی اقلیت دینی کشور است. کاروانسرای خانان در چهارراه مولوی نزدیک بقعه آقا معروف به نگین گردشگری تهران است. علی‌رغم این ارزش‌ها، بیش از یک‌سوم سطح منطقه (اعم از ارزشمند یا غیر آن) فرسوده محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مرکز تاریخی تهران در معرض زوال روزافزون است. در سال‌های اخیر مهاجرت گسترده ساکنان بومی از منطقه افزایش پیدا کرده است و بناهای مسکونی و سراها و باراندازهای تاریخی به کارگاه و انبار تبدیل شده‌اند و همین مسئله سبب از بین رفتن زندگی شبانه و بروز بزهکاری و ناامنی در برخی ساعات شبانه‌روز، رشد فعالیت‌های ناسازگار و افت سرمایه‌های اجتماعی در این بافت شده است. علاوه بر این، بی‌توجهی مدیران شهری به بهسازی کالبدی منطقه سبب نزول کیفیت محیطی بافت هویت‌مند تاریخی شده است (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۵).

بحث و یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نخست در دو بخش نتایج دلفی و تحلیل مصاحبه‌ها و سپس در انتها در قالب چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران ارائه می‌شود. در پیگیری فرایند تکنیک دلفی، براساس توضیحات بخش روش تحقیق و اطلاعاتی که در جدول ۱ مشخص است، ضریب کندال در دور نخست ۰/۵۵۳ و در دور دوم ۰/۶۶۲ به دست آمد که با توجه به تعداد اعضای پانل (بیش از ۱۰ نفر)، این میزان معنی‌دار به حساب می‌آید. از آنجا که میزان ضریب کندال در دور دوم نسبت به دور نخست افزایش یافته، می‌توان گفت اتفاق نظر میان اعضای پانل حاصل شده است؛ بنابراین به دوره‌های دلفی پایان داده شد. در این فرایند، علاوه بر شاخص‌های مستخرج از مبانی نظری و آموزه‌های تجربی، از متخصصان خواسته شد تا شاخص‌هایی را که از نظرشان مهم است، به فهرست شاخص‌های به دست آمده اضافه کنند. میزان ضریب کندال برای شاخص‌های پیشنهاد شده از سوی متخصصان نیز ۰/۶۰۷ بوده است که این رقم نشان‌دهنده اتفاق نظر متخصصان روی این شاخص‌ها است. بدین ترتیب از میان ۳۳ شاخص ارائه شده،

درخصوص ۳۱ شاخص اتفاق نظر نسبی وجود دارد و به‌همراه ۸ شاخصی که اعضای هیئت‌رئیس‌ه ارائه کردند، ۳۹ شاخص به‌عنوان شاخص‌های نهایی بازآفرینی خلاق بافت تاریخی تهران شناسایی و در قالب چارچوب نهایی شاخص‌های بازآفرینی خلاق بافت تاریخی تهران ارائه شدند.

جدول ۱. نتایج آزمون دلیو-کندال دور اول و دوم و شاخص‌های پیشنهادی متخصصان

شاخص‌های پیشنهادی متخصصان	دور اول	دور دوم	N
	۱۱	۱۱	۱۱
Kendall's Wa	۰/۵۵۳	۰/۶۶۲	۰/۶۰۷
Chi-Square	۱۹۴/۷۵۴	۳۳۲/۸۸۹	۹۵/۴۹۶
Asymp.Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

شاخص‌های رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت

تعداد هنرمندان، تعداد افراد تحصیل‌کرده، تعداد متخصصان و خبرگان، تعداد محققان شاغل در تحقیق و توسعه، حضور شهروندان جهانی و نیروی کار بین‌المللی خلاق	استعدادهای خلاق
تنوع ادیان، تنوع قومی، مداراگری درخصوص گروه‌های مختلف سنی و جنسی	مداراگری و تنوع
میزان اشتغال در صنایع فرهنگی خلاق نظیر صنایع دستی و گردشگری، پیشبرد و سرمایه‌گذاری در به‌کارگیری هنر در فضاهای عمومی	صنایع خلاق
تعداد بناهای تاریخی بالارزش، وضعیت و کیفیت نگهداری از دارایی‌های فرهنگی و تاریخی	دارایی‌ها و میراث فرهنگی
میزان تراکم جمعیت، تعداد اماکن مذهبی، کاربری‌های جاذب جمعیت، اختلاط عملکردی، نفوذپذیری و سلسله‌مراتب دسترسی، مسیرهای پیاده و دوچرخه، حمل‌ونقل عمومی و کارآمد، نقاط عطف و مکث خدمت‌مندی، ممانعت از آلودگی، کیفیت و جذابیت فضای سبز، ایده‌های خلاقانه حفاظت از محیط‌زیست، سرانه کاربری‌های تفریحی و اوقات فراغت	کیفیت محیط
تعداد پارک‌ها، تعداد دانشگاه‌ها، تعداد فضاهای ورزشی، تعداد مراکز فرهنگی نظیر سینما و کتابخانه، تعداد مؤسسات گردشگری، میزان دسترسی به رایانه و اینترنت، آموزش شهروندان جهانی، رویدادپذیری فضاهای همگانی، بستر شکل‌گیری رویدادها و خاطرات جمعی برای گروه‌های مختلف با تمایلات متفاوت	زیرساخت‌های پشتیبان خلاقیت
ظرفیت نهادی مدیریت شهری به‌منظور تحول خلاقانه در شهر، استفاده از افراد خلاق در ساختار مدیریت شهری، وجود سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد	مدیریت شهری خلاق

شکل ۵. چارچوب نهایی شاخص‌های بازآفرینی خلاق بافت تاریخی تهران^{۱*}

* مواردی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، شاخص‌هایی هستند که در فرایند دلفی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به فهرست شاخص‌های مستخرج از مبانی نظری اضافه کرده‌اند.

۱. به‌دلیل محدودیت حجم مقاله شاخص‌های اولیه بازآفرینی خلاق بافت‌های تاریخی که از مطالعه شاخص‌های بین‌المللی شهر خلاق و آموزه‌های تجربی در این زمینه و الزامات بازآفرینی شهری، استخراج شده‌اند در مقاله آورده نشده است و تنها به شاخص‌های نهایی پس از انجام روش دلفی و اعمال نظر کارشناسان اشاره شده است.

در ادامه، یافته‌های تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده به‌منظور تدوین چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران آمده است که بیانگر سه مقوله اصلی ساختارها و فرایندهای محدودکننده تحقق بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی، دارایی‌های بافت تاریخی در مواجهه با فرایند بازآفرینی خلاق و راهکارهای تحقق بازآفرینی خلاق در ارتباط با چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران است که در ادامه به تعریف هریک از این مفاهیم پرداخته می‌شود.

مقوله اصلی ساختارها و فرایندهای محدودکننده تحقق بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی

این مفهوم تبیین‌کننده موانع تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی شهر تهران است. این عوامل محدودکننده در نتیجه شرایط محیطی و زمینه شکل گرفته‌اند و در طول زمان به مهم‌ترین موانع تحقق بازآفرینی خلاق بافت تاریخی تبدیل شده‌اند. اهمیت این مفهوم به این دلیل است که بدون بازنگری در این ساختارها و فرایندها نمی‌توان انتظار داشت که فقط با اقدامات کالبدی بتوان زمینه را برای تحقق این رویکرد فراهم کرد. نخستین مفهوم تبیین‌کننده این مقوله نادیده‌انگاشته‌شدن مردم در فرایند بازآفرینی است که خود با مفهیمی نظیر بی‌اطلاعی مردم از اقدامات در حال اجرا و نادیده‌گرفته‌شدن منافع و خواست عموم در فرایند بازآفرینی تعریف می‌شود. دومین مفهوم به تنزل جایگاه سکونت در بافت تاریخی اشاره دارد که ماحصل آن، شکل‌گیری محله‌های رقیب برای بافت تاریخی است. این امر سبب شده است رفته‌رفته ساکنان اصیل که وارث اصلی بافت بوده‌اند، در پی عدم صرفه اقتصادی برای زندگی در این محدوده، زندگی در محله‌ها با کیفیت محیطی بالاتر را به زندگی در بافت تاریخی ترجیح دهند و به تدریج اقشاری جایگزین آن‌ها شوند که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در سطوح پایین‌تری قرار دارند و توان رسیدگی به بافت را ندارند. درنهایت این امر به تنزل مکانی بافت انجامیده است. سومین مفهوم، تضاد و تعارض در بافت تاریخی و فرایند بازآفرینی است. از یک سو تضاد میان عملکرد فعلی بازار با شاکله بافت تاریخی سبب برهم‌خوردن نظم و ساختار محله‌های بافت تاریخی و از سوی دیگر، تعارض نقش و عملکرد فعلی بازار مانع شکل‌گیری صنایع خلاق در این بافت شده است. تضاد میان منافع گروه‌های ذی‌نفع در فرایند بازآفرینی، وضعیت متعارض محله‌ها بافت تاریخی و وجود کاربری‌های ناسازگار با عملکرد بافت، سایر مفاهیم سطح پایین‌تر شکل‌دهنده به این مفهوم هستند. مفهوم چهارم، ناموازن بودن نقش‌ها و عملکردها در فرایند بازآفرینی بافت تاریخی است که به معنی درک نادرست از نقش‌ها و نقش‌آفرینان در فرایند بازآفرینی، جایگاه پررنگ دولت و مدیریت شهری و نقش کم‌رنگ مردم و بخش خصوصی در این فرایند است.^۱

۱. نمونه‌ای از روایت‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش از این مفهوم در ادامه آمده است:

«در سال ۱۳۳۵ محلات شهر تهران یک ساختار اجتماعی مرکب داشتند یعنی وقتی وارد محله می‌شدیم می‌دیدیم مستوفی‌الممالک که نخست‌وزیر وقت بود، اون محل زندگی می‌کنه مثلاً تو همون محل نونوا و بقال هم زندگی می‌کنند. این ساختار اجتماعی همه تیپ آدمی درش زندگی می‌کنند، عین این اتفاق در تمام محلات بافت تاریخی اتفاق افتاد. وقتی این جاذبه در جای دیگه شهر ایجاد می‌شه شروع می‌کنه رأس این هرم اجتماعی رو به سمت خودش جذب کردن و خرد خرد رده‌های پایین‌تر هم می‌رن و خانه‌های این افراد خالی می‌شه و در نتیجه این خونه‌ها می‌شه محل زندگی افرادی که به لحاظ اجتماعی سطح پایین‌تری دارن و اون افراد مستقر می‌شن حالا پولی ندارن که به خونه‌ها رسیدگی کنن و یواش‌یواش اونجا غیرقابل زندگی میشه و در نتیجه منزلت مکانی این محدوده تنزل پیدا می‌کنه و امروز به انبار و کارگاه تبدیل می‌شه» (p8, 5).

مقوله اصلی دارایی‌های بافت تاریخی در مواجهه با فرایند بازآفرینی خلاق

یکی دیگر از مفاهیم اصلی در تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی، دارایی‌های بافت تاریخی در مواجهه با فرایند بازآفرینی خلاق است. بافت تاریخی هسته اولیه تهران کنونی بوده است؛ بنابراین هرچه بوده و امروز به دست ما رسیده است، در بافت تاریخی بوده و در سال‌های بعدی توسعه پیدا کرده است. همین امر سبب شده است بافت تاریخی دارای ظرفیت‌های بسیار ارزشمندی باشد و به‌عنوان عنصر تقویت‌کننده فرایند بازآفرینی خلاق عمل کند. دارایی‌های بافت تاریخی با مفاهیم ظرفیت‌های بروز خلاقیت مانند وجود بازار به‌عنوان قلب اقتصادی تهران، استقرار مراکز اداری-سیاسی نظیر سفارت‌خانه‌ها و مجلس و وجود آثار بارزش تاریخی، اصالت بافت تاریخی که بیانگر اهمیت بافت تاریخی به‌عنوان قلب تاریخی تهران است و مفهوم پویایی و تنوع بافت تاریخی معنا پیدا می‌کند که به نوعی اشاره به تنوع ادیان و اقوام مختلف و ماهیت پویای بافت دارد.^۱

مقوله اصلی راهکارهای تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق

راهکارهای تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی با مفاهیم ضرورت نگاه تدریجی و گام‌به‌گام به فرایند بازآفرینی، تقویت نقش مردم و مشارکت آن‌ها در فرایند بازآفرینی، اهمیت نقش پایدار طبقه خلاق در فرایند بازآفرینی، جایگاه دولت و مدیریت شهری در فرایند بازآفرینی بافت تاریخی، تعادل‌بخشی میان عملکرد بافت تاریخی و بازار تهران، اصلاح فعالیت و عملکرد در بازار تهران، اصلاح فعالیت و عملکرد در بافت تاریخی، ارتقای منزلت اجتماعی و مکانی بافت تاریخی، اهمیت برنامه‌ریزی اقتصادی، بروز سرزندگی در بافت تاریخی و اهمیت عرصه‌های عمومی در فرایند بازآفرینی خلاق تبیین می‌شود.

در حال حاضر بافت تاریخی تهران دچار نخوت و کسالتی چندساله شده و در سال‌های اخیر تعادل این بافت ارزشمند برهم خورده است. آنچه امروز در بافت تاریخی ما رخ داده است، نتیجه سال‌ها بی‌توجهی است؛ بنابراین رسیدن به تعادل در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مهم‌ترین وظیفه نقش‌آفرینان در فرایند احیای این بافت است. از این‌رو تعادل‌بخشی به این بافت براساس رویکردهای نوینی نظیر بازآفرینی خلاق و توجه به محورهای اصلی آن می‌تواند مؤثر و کارآمد واقع شود. بر این اساس، سکانس‌بندی فرایند احیا و تدریجی‌بودن این اقدامات، امری ضروری تلقی می‌شود. در فرایند بازآفرینی خلاق، نقش مردم و طبقه خلاق انکارناپذیر است و باید بستر لازم برای ورود آن‌ها به بافت و مشارکتشان در راستای بالابردن کیفیت محیطی و درنهایت ماندگار کردن ساکنان اصیل فراهم شود که خود به نوعی طبقه خلاق به‌شمار می‌روند. در کنار همه این مسائل، بازتعریف نقش دولت و مدیریت شهری در فرایند بازآفرینی و مدیریت منابع، ضرورتی انکارناپذیر است. به‌طور کلی می‌توان گفت فرایند بازآفرینی خلاق فقط زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که مردم، دولت و مدیریت شهری به‌عنوان بازیگران اصلی، در کنار یکدیگر و در قالب یک فرایند تدریجی با چشم‌انداز مشخص در ارتباط با بافت تاریخی فعالیت کنند^۲ (شکل ۶).

۱. نمونه‌ای از روایت‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش از این مفهوم در ادامه آمده است: «این منطقه از لحاظ پتانسیل‌های تاریخی و هویتی دارای آثار تاریخی و هویت معماری و ویژگی‌های خاصیه که در تهران به ندرت می‌شه پیدا کرد. از لحاظ پتانسیل‌های اقتصادی، قلب اقتصاد تهران و حتی ایران که بازار هست رو در منطقه ۱۲ داریم و گردش مالیش هم به نوعی تعیین‌کننده اقتصاد ایران هست. از لحاظ اجتماعی، در این منطقه محله‌های هویت‌مندی رو داریم. هنوز ساکنان اصیل تهران قدیم رو داریم که می‌تونه تاریخ گویای تهران باشه. از لحاظ پتانسیل‌های اداری-سیاسی، تعداد زیادی سفارت تو این منطقه هست و از لحاظ پتانسیل حکومتی-سیاسی هم مجلس در این منطقه هست. علاوه بر این چند تا وزارتخونه اینجا هست و همچنین به‌خاطر نزدیکی به خیابون پاستور و برخی خیابون‌های مهم منطقه ۱، این محدوده به‌لحاظ موقعیت حکومتی-سیاسی هم قلب تهران هست» (p1, 1).

۲. نمونه‌ای از روایت‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش از این مفهوم در ادامه آمده است: «احیا یا باززنده‌سازی به فرایند و این فرایند باید سکانس به سکانس تعریف بشه. مدیران و جامعه حرفه‌ای وضعیتشون مثل کبابیای کنار جاده‌ست که قبل اینکه کباب درست کنن، وقتی آتیش می‌کنن به تیکه دنبه می‌ندانن تو آتیش. بعد دود می‌کنه میاد تو جاده. این دود می‌رسه به راننده‌های توی جاده. این دود مثل برهان قاطعه و این افراد رو متقاعد می‌کنه که گرسنه‌ن و دوم اینکه کباب خیلی چیز خوبیه و اینه که اونا وایمیستن و کباب می‌خورن. حالا شما تو بافت تاریخی ناگزیرین این دنبه‌ها رو بنذارین، اما وقتی راه افتاد دیگه نیاز به اون دنبه‌ها ←

شاخص‌های استخراج شده	ساختارهای پیش‌رمان و محدودکننده	راهکارهای مواجهه با بافت تاریخی
<p>طبقه خلایق: تعداد هنرمندان؛ تعداد افراد تحصیل‌کرده؛ تعداد متخصصان و خیرگان؛ تعداد محققان شاغل در تحقیق و توسعه؛ حضور نیروی کار بین‌المللی خلایق</p>	<p>علاقه و انگیزه طبقه خلایق به حضور و فعالیت در بافت ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی منطقه</p>	<p>نقش پایدار طبقه خلایق در فرایند بازآفرینی: «فرهنگ کردن زمینه بروز خلاقیت افراد؛ جذب طبقه خلایق در ساختار مدیریت شهری؛ جذب طبقه خلایق از طریق برگزاری فعالیت‌های فرهنگی؛ مشارکت طبقه خلایق برای بهبود شرایط زندگی و سکونت؛ مشارکت طبقه خلایق در راستای بهبود شرایط بازار؛ ماندگار کردن طبقه خلایق از طریق تفسیر در نظام اقتصادی و مالی»</p>
<p>مردم: حضور شهروندان جهانی؛ آموزش شهروندان جهانی</p>	<p>نادیده‌نگاشتن مردم در فرایند بازآفرینی: ایسی‌الاعلی مردم از اقدامات در حال اجرا؛ نادیده گرفته شدن منافع و خواست عموم</p>	<p>تقویت نقش ساکنان و مشارکت آن‌ها در فرایند بازآفرینی (اهمیت حضور ساکنان اصیل در فرایند بازآفرینی؛ اهمیت آموزش و آگاهی مردم در فرایند بازآفرینی؛ لزوم واگذاری اقدامات مهم در عرصه سکونت به مردم؛ اهمیت مطالبات ساکنان اصیل به عنوان سرمایه‌های اصلی بافت)</p>
<p>دولت و مدیریت شهری: ظرفیت نهادی مدیریت شهری به منظور تحول خلاقانه در شهر؛ استفاده از افراد خلایق در ساختار مدیریت شهری؛ وجود سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد</p>	<p>نماوان بودن نقش‌ها و عملکردها در فرایند بازآفرینی بافت تاریخی؛ ندانستن درک درست از نقش‌ها و نقش‌آفرینان در فرایند بازآفرینی؛ مداخله بیش‌از اندازه دولت و شهرداری در فرایند بازآفرینی؛ نقش کم‌رنگ مردم و بخش خصوصی در فرایند بازآفرینی</p>	<p>(بازتعریف) جایگاه دولت و مدیریت شهری در فرایند بازآفرینی بافت تاریخی: (ضرورت دخالت‌ناداشتن مستقیم دولت در عرصه سکونت؛ اهمیت نقش مدیریت شهری در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع؛ نقش تسهیل‌گری مدیریت شهری در فرایند بازآفرینی شهری؛ اهمیت ثبات و اعتقاد مدیریت شهری؛ ضرورت سامان‌دهی عرصه زیرساخت و خدمات به وسیله دولت؛ ضرورت همکاری دولت و مدیریت شهری؛ تعیین ضوابط مداخله در عرصه سکونت توسط دولت)</p>
	<p>تضاد و تعارض در فرایند بازآفرینی: تضاد منافع گروه‌های ذی‌نفع در فرایند بازآفرینی</p>	<p>ضرورت نگاه تدریجی و گام به گام به فرایند بازآفرینی: (مرحله‌بندی فرایند احیا و بازآفرینی؛ روند تدریجی اقدامات و مداخلات در بافت تاریخی) مدیریت تضاد در فرایند بازآفرینی</p>
<p>میزان اشتغال در صنایع فرهنگی خلایق نظیر صنایع دستی و گردشگری؛ پیشبرد و سرمایه‌گذاری در به‌کارگیری هنر در فضاهای عمومی؛ مؤسسات گردشگری</p>	<p>ظرفیت‌های اقتصادی بافت؛ وجود مراکز مهم فعالیت در بافت تاریخی افول خلاقیت به سبب اقتصاد نفتی</p>	<p>اهمیت برنامه‌ریزی اقتصادی: (بهره‌گیری از پتانسیل بازار در جهت رونق اقتصادی بافت تاریخی؛ ضرورت تغییر نظام اقتصادی بازار؛ اولویت تغییرات نظام اقتصادی در بافت به‌جای اقدامات کالبدی صرف؛ بهره‌گیری از پتانسیل‌های گردشگری در بافت تاریخی؛ سامان‌دهی مشاغل در تناسب با هویت تاریخی بافت؛ وضع مشوق‌هایی برای شکل‌گیری صنایع خلایق و بازگشت سرمایه؛ بهره‌گیری از عرصه‌های عمومی بافت تاریخی برای ایجاد ارزش‌افزوده اقتصادی در بافت) اصلاح فعالیت و عملکرد در بازار: (بارگذاری عملکردهای تقویت‌کننده صنایع خلایق و گردشگری در بازار تهران؛ قرارگرفتن بازار مدرن عرضه‌کننده صنایع خلایق در پیوند با بازار سنتی) پیوند میان عرصه‌های عمومی و صنایع خلایق در فرایند بازآفرینی خلایق</p>
<p>سکونت</p>	<p>تنزل جایگاه سکونت در بافت تاریخی: (اعلیه فعالیت به سکونت در بافت تاریخی؛ افت کیفیت زندگی در بافت تاریخی؛ نبود صرفه اقتصادی سکونت در بافت تاریخی؛ روند رو به رشد جایگزینی کاربری‌های وابسته به مسکن با کاربری‌های ناسازگار؛ رواج سکونت کارگری؛ جایگزینی ساکنین با قشر نروتمند و غریبه)</p>	<p>اصلاح فعالیت و عملکرد در بافت تاریخی: (وضع محدودیت برای جلوگیری از ایجاد کاربری‌های ناسازگار با بافت تاریخی؛ پیش‌بینی مکان جایگزین و با صرفه اقتصادی برای استقرار کاربری‌های ناسازگار؛ وضع محدودیت‌ها و مشوق‌هایی برای ایجاد کاربری‌های سازگار با بافت تاریخی؛ در نظر گرفتن مکان‌های جایگزین برای بارگیری و باراندازی کالاها؛ تنوع‌بخشی و اختلاط فعالیت‌ها در بافت تاریخی) اصلاح فعالیت و عملکرد در بازار: (در نظر گرفتن حوزه‌های مکمل برای بازار؛ وضع محدودیت‌هایی برای جلوگیری از بارگیری و باراندازی کالاها در محدوده بازار؛ جایه‌جایی فعالیت‌های مکمل در بازار؛ در نظر گرفتن فعالیت‌های نوپا و خلایق در بازار سنتی؛ احیای بازار تهران به‌عنوان عرصه عمومی فعال و نه محل دادوستد صرف) تبادل‌بخشی میان عملکرد بافت تاریخی و بازار تهران: (پیروی از الگوی استخوان‌بندی بازار و تبادل‌بخشی کارکردی به آن؛ رسیدن به چشم‌انداز مشترک در بافت تاریخی و بازار)</p>
<p>فرآیند بازآفرینی</p>		
<p>اقتصاد و صنایع خلایق</p>		
<p>نظام عملکردی بافت</p>		
<p>نظام اجتماعی</p>		
<p>تاریخی بافت</p>		

فرایند بازآفرینی

محتوا / محورهای بازآفرینی

شکل ۶. چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلایق در بافت تاریخی تهران

→ نیست. اون مال ساکنس اول بود» (p8, 4).

«شهرداری تهران باید به بخشی داشته باشه به عنوان متولی اصلی توسعه اقتصاد محلی شهر که تا حالا نداشته که باید بیاد استعدادها رو بشناسه، چه جووری باید در نظام اقتصادی-مالی تغییر ایجاد کنه. حالا مدیریت بافت تاریخی هم داره کارای کلیدی می‌کنه بیشتر، به سری اقدامایی مثل برگزاری جشنواره و اینا انجام می‌ده. اینا شاید جاذب جمعیت باشه، ولی جمعیت رو موندگار نمی‌کنه» (p3, 12).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نخست شاخص‌های استخراج‌شده از مبانی نظری و آموزه‌های تجربی درخصوص رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت‌های تاریخی با به‌کارگیری روش دلفی و نظرخواهی از متخصصان در حوزه نظری و آشنا با بافت تاریخی تهران تدقیق شدند. سپس به کمک مؤلفه‌ها و شاخص‌های نهایی در این مرحله راهنمای مصاحبه تدوین شد تا از طریق مصاحبه با افرادی که در زمینه بازآفرینی در بافت تاریخی تهران به نوعی تجربه عملی دارند، ابعاد مختلف بافت از جنبه تحقق این رویکرد تبیین و درنهایت راهکارهایی در این زمینه ارائه شود.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که بافت تاریخی تهران با دوگانه‌ای از دارایی‌ها و محدودیت‌های ساختاری در مواجهه و تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق روبه‌رو است که نتیجه آن همچنان افت کیفیت بافت و عدم بهره‌گیری حداکثری از توان و ظرفیت‌های موجود در بافت شهر است. در چنین شرایطی رویکرد بازآفرینی خلاق می‌تواند به‌الگویی مناسب برای بافت تاریخی و موتور برای توسعه اقتصادی و فرهنگی شهر تهران تبدیل شود. در این پژوهش به‌منظور ارائه چارچوب تحقق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران، شاخص‌ها و مفاهیم استخراج‌شده در قالب مفاهیم ارتباطی با فرایند بازآفرینی و مفاهیم مربوط به محتوا و محورهای موضوعی بازآفرینی شدند و در سه بخش شاخص‌های بازآفرینی خلاق، ساختارهای پیشران و محدودکننده تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق و راهکارهای مواجهه با تنظیم شونده طبق یافته‌ها، لازمه تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران، نخست تأکید بر ساختارهای پیشران شناسایی شده است. این ساختارها در قالب دو مؤلفه کلی فرایند بازآفرینی و محورهای بازآفرینی و شش سطح نقش‌آفرینان کلیدی (طبقه خلاق، مردم، دولت و مدیران شهری)، فرایند بازآفرینی، اقتصاد و صنایع خلاق، نظام عملکردی بافت (سکونت و فعالیت)، نظام جمعیتی و اجتماعی و دارایی‌های تاریخی بافت ارائه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به‌منظور تحقق رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران لازم است از این ظرفیت‌ها برای مواجهه با ساختارهای محدودکننده در بافت به درستی استفاده شود. ساختارهای محدودکننده بافت تاریخی نیز مانند ساختارهای پیشران، در قالب فرایند بازآفرینی و مفاهیم اصلی نظیر نادیده‌نگاشتن مردم در فرایند بازآفرینی، ناموازن بودن نقش‌ها و عملکردها در فرایند بازآفرینی بافت تاریخی و تضاد و تعارض در فرایند بازآفرینی و نیز محورهای بازآفرینی مانند تنزل جایگاه سکونت در بافت تاریخی، وضعیت متعارض محله‌های بافت تاریخی، تضاد میان نقش فعلی بازار با استخوان‌بندی و شاکله بافت تاریخی و جز آن تبیین شده است. در پایان نیز راهکارهای استخراج‌شده از خلال بررسی تجارب افرادی که در عمل تجربه برنامه‌ریزی و مدیریت در بافت تاریخی را داشته‌اند، در قالب همان شش سطح و دوازده محور کلی ارائه شده است. این محورها عبارت‌اند از: نقش پایدار طبقه خلاق در فرایند بازآفرینی، تقویت نقش ساکنان و مشارکت آن‌ها در فرایند بازآفرینی (بازتعریف) جایگاه دولت و مدیریت شهری در فرایند بازآفرینی بافت تاریخی، ضرورت نگاه تدریجی و گام‌به‌گام به فرایند بازآفرینی، مدیریت تضاد در فرایند بازآفرینی، اهمیت برنامه‌ریزی اقتصادی، اصلاح فعالیت و عملکرد در بافت تاریخی، اصلاح فعالیت و عملکرد در بازار، پیوند میان عرصه‌های عمومی و صنایع خلاق در فرایند بازآفرینی خلاق، تعادل بخشی میان عملکرد بافت تاریخی و بازار تهران، ارتقای منزلت اجتماعی بافت تاریخی و افزایش حضورپذیری در بافت. براساس نتایج، مدیریت شهری می‌تواند در کنار اقدام‌ها و مداخله‌های کالبدی با توجه

بیشتر به برنامه‌ریزی‌های ترکیبی فرهنگی-اقتصادی در بافت تاریخی، زمینه تحقیق رویکرد بازآفرینی خلاق را فراهم آورد. چارچوب تحقیق‌پذیری رویکرد بازآفرینی خلاق در بافت تاریخی تهران به شکل تفصیلی در شکل ۶ نشان داده شد.



منابع

- احمدپور، احمد، حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۳)، ۷۳-۹۲.
- احمدی‌فرد، نرگس، پوراحمد، احمد و دهزاده سیلابی، پروین (۱۳۹۸). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه صنایع فرهنگی در بازآفرینی بافت تاریخی (نمونه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۱(۳)، ۱۳۷-۱۴۸.
- مهندسین مشاور باوند (۱۳۸۵). *طرح تفصیلی منطقه ۱۲ (طرح تجدید ساختار مرکز تاریخی تهران)*. شهرداری تهران.
- پوراحمد، احمد، فرهودی، رحمت‌اله، زنگنه شهرکی، سعید و شفاعت قراملکی، طهورا (۱۳۹۹). تبیین الگوی بازآفرینی بافت تاریخی با رویکرد توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهر تبریز). *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴(۷۴)، ۴۳-۶۰.
- پوردکریا، مریم و فدائی‌نژاد بهرام‌جردی، سمیه (۱۳۹۸). بازخوانی رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌منا در ساخت شهر خلاق (تدوین چارچوب تحلیلی بازآفرینی قطب خلاق و فرهنگی). *باغ نظر*، ۱۶(۷۷)، ۵-۱۴.
- تقی‌نژاد، کاظم، یزدانی، سعید، شیخ‌الاسلامی، علیرضا و ملک‌حسینی، عباس (۱۳۹۹). رویکرد آینده‌پژوهانه به بازآفرینی خلاق بافت تاریخی شهر گرگان. *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۱۰(۳)، ۲۰۱-۲۱۷.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۹۱). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*. تهران: لویه.
- خان‌محمدی، مرجان (۱۳۹۴). تعیین قلمرو فرهنگی در بافت‌های تاریخی برای حضور صنایع خلاق. *رساله دکتری*. دانشگاه هنر اصفهان.
- ربانی‌خوارسگانی، علی و رسول، ربانی (۱۳۹۰). بررسی نقش تنوع اجتماعی در شهرهای خلاق و نوآور (مطالعه موردی: اصفهان). *جغرافیا و توسعه*، ۹(۲۱)، ۱۵۹-۱۸۰.
- شبانی، امیرحسین و ایزدی، محمدسعید (۱۳۹۳). رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق. *نقش جهان*، ۴(۲)، ۵۴-۶۳.
- صحی‌زاده، مهشید و ایزدی، محمدسعید (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری دو رویکرد مکمل یا مغایر. *فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی*، ۱۴(۴)، ۱۲-۲۱.
- کلانتری، محسن، رجایی، عباس و فتوحی مهربانی، باقر (۱۳۹۵). تحلیلی بر برخورداری کلان‌شهرهای ایران از شاخص‌های شهر خلاق. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۴(۴)، ۵۸۷-۶۱۲.
- کیانی سلمی، صدیقه و صفری، حامد (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی شاخص‌ها و عوامل گردشگری خلاق در بافت‌های فرسوده شهری اصفهان (نمونه موردی: محله جویباره). *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۹(۱)، ۱۱۵-۱۵۲.
- مختاری ملک‌آبادی، رضا، سقایی، محسن و ایمان، فاطمه (۱۳۹۳). سطح‌بندی مناطق پانزده‌گانه شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی*، ۵(۱۶)، ۱۰۵-۱۲۰.
- مشکینی، ابوالفضل، احمدی‌فرد، نرگس و موحد، علی (۱۳۹۶). شناسایی کانون‌های محرک توسعه خلاق در بافت تاریخی با رویکرد گردشگری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۵(۳)، ۴۰۵-۴۲۳.

- Acs, Z., & Megyesi, M. (2009). Creativity and Industrial Cities: A Case Study of Baltimore. *Entrepreneurship and Regional Development*, 21(4), 421–439.
- Baycan, T. (2011). Creative Cities: Context and Perspective. In L. Fusco Girard, T. Baycan, & P. Nijkamp (Eds.), *Sustainable City and Creativity: Promoting Creative Urban Initiatives*. USA: Ashgate Publishing Company, 15-54.
- Bell, D., & Jayne, M. (2004). *City of Quarters: Urban Villages in the Contemporary City*. London: Ashgate.
- Bower, H., Moesen, W., & Sleuwaegen, L. (2008). A Composite Index of the Creative Economy. *Review of Business and Economics*, 4, 375-397.
- Clark, T. N., Lloyd, R., Wong, K. K., & Jain, P. (2002). Amenities Drive Urban Growth. *Journal of Urban Affairs*, 24(5), 493–515.
- Coletta, C. (2008). Fostering the Creative City. CEOs for Cities. Retrieved September 2018 from <https://ceosforcities.org/wp-content/uploads/2017/02/Fostering-the-Creative-City.pdf>
- Correia, C., & da Silva Costa, J. (2014). Measuring Creativity in the EU Member States. *Investigaciones Regionales*, 30, 7–26.
- Department of Culture, Media and Sport (DCMS) (2001). The Creative Industries Mapping Document, London: DCMS. Retrieved June 2019 from https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/183544/2001part1-foreword2001.pdf
- Duxbury, N. (2004). *Creative Cities: Principles and Practices*. Ottawa: Canadian Policy Research Networks Inc. (CPRN).
- Florida, R. (2002). *The Rise of the Creative Class: And How It's Transforming Work, Leisure and Everyday Life*. New York: Basic Books.
- Florida, R. (2005). *Cities and the Creative Class*. New York: Routledge.
- Florida, R. (2012). *The Rise of the Creative Class-Revisited: Revised and Expanded*. New York: Basic Books.
- Florida, R. (2011). *Creativity and Prosperity: The Global Creativity Index*. Martin Prosperity Institute. Retrieved 24 September, 2019 from http://martinprosperity.org/wp-content/uploads/2011/10/Creativity-and-Prosperity_The-Global-Creativity-Index.pdf.
- Florida, R., & Tinagli, I. (2004). Europe in the Creative Age. Carnegie Mellon Software Industry Center. Retrieved 14 May, 2019 from http://www.creativeclass.com/rfgcdb/articles/Europe_in_the_Creative_Age_2004.pdf.
- Fusco Girard, L., Baycan, T., & Nijkamp, P. (2011). *Sustainable City and Creativity: Promoting Creative Urban Initiatives*. Ashgate.
- Glaeser, E. (2005). *Smart Growth: Education, Skilled Workers, & the Future of Cold Weather Cities*. Cambridge, MA: Harvard University, Kennedy School, Policy Brief.
- Hartley, J., Potts, J., & MacDonald, T. (2012). The CCI Creative City Index 2012. *Cultural Science Journal*, 5(1), 138.
- Home Affairs Bureau the Hong Kong Special Administrative Region Government (2005). *A Study on Creativity Index*. Director 1–100.
- Kloudova, J., & Stehlikova, B. (2010). Creativity Index for the Czech Republic in Terms of Regional Similarities and Geographical Location. *Economics and Management*, 15(1), 100-109.

- Lak, A., Gheitasi, M., & Timothy, D. J. (2019). Urban Regeneration through Heritage Tourism: Cultural Policies and Strategic Management. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 18(4), 386–403.
- Landry, C. (2008). *The Creative City: A Toolkit for Urban Innovators*. New York: Routledge.
- Landry, C., & Bianchini, F. (1995). *The Creative City*. London: Demos.
- Landry, C. (2011). The Creativity City Index. *City, Culture and Society*, 2(3), 173–176.
- Larkham, P. (2006). The study of Urban Form in Great Britain. *Urban Morphology*, 10(2), 117-141.
- Lasuén, J. R. (2006). Creative Industries and Economic Competitiveness. *Cuadernos de Economía*, 29, 73-84.
- Lindner, C., & Meissner, M. (2014). Slow Art in the Creative City: Amsterdam, Street Photography and Urban Renewal. *Journal of Space and Culture*, 8(3), 1-20.
- Mousseau, V., & Slowinski, R. (1998). Inferring an ELECTRE TRI Model from Assignment Examples. *Journal of Global Optimization*, 12(2), 157–174.
- Navarrete, J., Larraín de Andraca, I., & Trejo, H. F. (Eds.) (2019). *Creative and Cultural Industries in Urban Revitalization; A Practice Based Handbook*. BOP Consulting with the Korean Research Institute on Human Settlement, for the Inter-American Development Bank.
- Peterlin, M., Žaucer, T., Uršič, M., Očkerl, P., & Marn, T., (2011). *Potentials of creative urban regeneration - Spatial distribution of creative industries*, *Creative Cities - Development and Promotion of Creative Industry Potentials in Central European Cities*. Work package 5, IPoP, Institute for Spatial Policies.
- Rawson, B., Kreidler, J., & Trounstone, P. (2005). Creative Community Index. *Cultural initiatives Silicon Valley*, 5-31.
- Reckwitz, A. (2009). Die Selbstkultivierung der Stadt. Zur Transformation moderner Urbanität in der creative city. *Mittelweg* 36, 18(2), 2-34.
- Roberts, P. W., & Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration: A Handbook*. London: SAGE.
- Rhodes, M. (1961). An Analysis of Creativity. *The Phi Delta Kappan*, 42(7), 305–310.
- Sasaki, M. (2008). Developing Creative Cities through Networking. *Policy Science*, 15(3), 77-88.
- Sasaki, M. (2010). Urban Regeneration through Creativity and Social Inclusion: Rethinking Creative City Theory through a Japanese Case Study. *Cities*, 27, 3–9.
- Sepe, M. (2014). Urban Transformation, Socio-Economic Regeneration and Participation: Two Cases of Creative Urban Regeneration. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 6(1), 20-41.
- Tiesdell, S., Oc, T., & Heath, T. (1996). *Revitalizing Historic Urban Quarters*. Oxford: Architectural Press.
- Törnqvist, G. (2012). *The Geography of Creativity*. Cheltenham: Edward Elgar.